



سیمای سوره قمر

این سوره در مکه نازل شده و پنجاوپنج آیه دارد. به مناسبت طرح مسأله‌ی «شق القمر» در آیه‌ی اول، این سوره، «قمر» نامیده شده است.

تمام آیات این سوره با حرف «راء» ختم می‌شود. پایان سوره‌ی قبل درباره‌ی معاد بود، آغاز این سوره نیز سخن از معاد است. محتوای این سوره، بیشتر مربوط به قیامت، نبوت و ماجرای مخالفان انبیا است.

همچنین در این سوره، خداوند به سرنوشت شوم پنج گروه یعنی قوم نوح، عاد، ثمود، لوط و فرعون اشاره می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

﴿ ۱ ﴾ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿ ۲ ﴾ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَ
يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت. و اگر معجزه‌ای ببینند، اعراض کنند
و گویند: این سحری است پی‌درپی.

﴿ ۳ ﴾ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّهُمْ مُّسْتَقِرٌّ

و تکذیب کردند و از هوس‌های خود پیروی نمودند و هر کاری (سرانجام)
جایگاه و قرارگاهی دارد.

نکته‌ها:

□ در تفاسیر و کتب حدیثی شیعه و سنی ماجرای دونیم شدن شکافته‌شدن ماه مطرح شده
است. بر اساس روایات، پیشنهاد شکافته شدن ماه از سوی کفار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر
آن بود که می‌گفتند: سحر و جادو در آسمان‌ها اثر ندارد و اگر ماه شکافته شد، کار محمد صلی الله علیه و آله
قطعاً معجزه است.
جالب این که شکافته شدن ماه، در دل شب و بدون تبلیغات قبلی بود. مسافران مکه و شام در
مسیر جاده و حتی مردم هندوستان شکافته‌شدن ماه را دیدند و در بعضی آثار باستانی هند
نوشته شده که تاریخ اتمام این بنا زمانی بود که ماه دو نیم شد.^(۱)

۱. تفسیر نمونه.

□ جدا شدن کرات منظومه‌ی شمسی از خورشید یا سنگ‌های آسمانی از ستارگان، نشانه‌ای بر شق‌القمر و امکان شکافته‌شدن ماه است. گرچه در اینجا دو معجزه رخ داده است یکی شکافته‌شدن و دیگری برگشت به حالت اول.

پیام‌ها:

- ۱- قیامت نزدیک و حتمی الوقوع است و از عمر دنیا چیزی باقی نمانده است. پس برای آخرت زاد و توشه برداریم و غافل نباشیم. ﴿اقتربت الساعة﴾
- ۲- برپایی قیامت، زمانی بس حساس و مهم است. ﴿اقتربت الساعة﴾ (سوره بدون مقدمه، سخن از قیامت می‌کند، نظیر کسی که بی مقدمه می‌گوید: زلزله، زلزله).
- ۳- در گفتگو با سنگدلانِ غافل، نسبت به قیامت هشدار دهید. ﴿اقتربت الساعة﴾ (چنانکه در آغاز سوره‌ی انبیا می‌خوانیم: ﴿اقتربت الناس حسابهم و هم فی غفلة﴾)
- ۴- شقّ القمر از معجزات ویژه پیامبر ﷺ و نشانه‌ی نزدیکی امت اسلام با قیامت است. ﴿اقتربت الساعة و انشق القمر﴾
- ۵ - پیامبر معجزات بسیاری داشت و کافران همه را سحر می‌پنداشتند. ﴿سحرٌ مستمر﴾
- ۶- شیوه‌ی افراد لجوج در برخورد با معجزات و آیات الهی، اعراض و تکذیب و تهمت است. ﴿ان یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر﴾
- ۷- ریشه‌ی اعراض از حق و تکذیب دین، پیروی از هوای نفس است. ﴿یعرضوا... کذبوا... اتبعوا اهواءهم﴾
- ۸- «پایان شب سیه سفید است». بالآخره حق، مستقرّ حقانیت معاد ثابت خواهد شد. ﴿کلّ امر مستقر﴾

﴿ ۴ ﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجَرٌ

و همانا از خبرهای مهم، آن چه مایه دست برداشتن (از کفر) است، برای آنان آمد.

﴿ ۵ ﴾ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النَّذْرُ

(با این که آن اخبار،) حکمتی رسا بود، ولی بیم‌دهندگان (برای افراد لجوج)، سودی نداشتند.

﴿ ۶ ﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ

پس، از آنان روی بگردان، (و منتظر باش) روزی را که آن دعوت کننده، (آنان را) به سوی چیزی ناخوش (و عذاب دوزخ) فرا خواند.

نکته‌ها:

□ «مزدجر» از «زجر» به معنای طرد و منع است، یعنی خبرهایی از قیامت که می‌تواند مانع ارتکاب گناه گردد. «نُکْرٍ» به معنای امری ناشناخته و ناخوشایند است.

پیام‌ها:

- ۱- مصلحان و مبلغان، باید از تاریخ گذشتگان و حوادث مهم آگاه باشند. ﴿جاءهم من الانبياء﴾
- ۲- آشنایی با تاریخ می‌تواند وسیله‌ی هوشیاری و بیداری و بازدارنده‌ی انسان از گناه باشد. ﴿من الانبياء ما فيه مُرْدَجَرٌ﴾
- ۳- اخبار قیامت در قرآن، می‌تواند وسیله بازداشتن انسان از کفر و گناه باشد. ﴿اقتربت الساعة... الانبياء ما فيه مزدجر﴾
- ۴- حوادث و داستانهای واقعی تاریخ، حکمت آموز است. ﴿جاءهم من الانبياء... حكمة بالغة﴾ تأثیر نکردن تبلیغات دینی پیامبران در مردم، نشانه‌ی بد بودن مبلغ یا ضعیف بودن مطلب نیست.
- ۵ - خداوند اتمام حجّت می‌کند، ﴿حكمة بالغة﴾ ولی مردم هشدارها را نادیده

می‌گیرند. ﴿فَمَا تَعْنِ النَّذْرُ﴾

۶- اگر هوا و هوس‌ها بر انسان حاکم باشد، نه تبلیغ مستقیم پیامبر مؤثر است و نه

تبلیغ غیرمستقیم او. ﴿اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ... جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مَزْجَرٌ... فَمَا تَعْنِ النَّذْرُ﴾

۷- مرئی حکیم، هشدارهای خود را در لابلای داستان‌های صحیح بیان می‌کند.

﴿انْبَاءٌ، حِكْمَةٌ، النَّذْرُ﴾

۸- پیام‌های قرآن، معقول و قابل شناخت است، نه دور از حیطه‌ی درک بشر.

﴿حِكْمَةٌ بِاللُّغَةِ﴾

۹- دلسوزی و مسئولیت، حدّ و حدودی دارد و گاهی اعراض لازم است. (بعد از

نقل بیان حکمت و هشدارهای پی‌درپی در هدایت و تربیت، باید اعراض

کرد). ﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ﴾ سعدی گوید:

زمین شوره سنبل بر نیارد در آن تخم عمل ضایع مگردان

۱۰- در قیامت، منادیانی هستند که مردم را به دوزخ فرامی‌خوانند. ﴿يَدْعُ الدَّاعُ﴾

۱۱- صحنه‌های قیامت برای منحرفان و افرادی که پیامبر از آنان روگردان شده،

بسیار، ناخوشایند و غیرمنتظره است. ﴿شَيْءٌ نُكْرٌ﴾

﴿۷﴾ خُشِعَا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ

آنان در حالی که چشم‌هایشان (از ترس و وحشت) فرو افتاده، همچون

ملخ‌های پراکنده، از قبرها خارج می‌شوند.

نکته‌ها:

- «اجداث» جمع «جَدَث» به معنای قبر است.
- فروافتادن چشم یا از شدت ترس است و یا شدت شرمساری که موجب ذلت و خواری می‌شود.
- تشبیه مجرمان در قیامت به ملخ‌های پراکنده، بیانگر سردرگمی و حیرت‌زدگی آنان به هنگام خروج از قبرهاست.

پیام‌ها:

- ۱- حالات روحی و روانی انسان در جسم و ظاهر او اثر می‌گذارد. ﴿خَشَعًا أَبْصَارَهُمْ﴾
- ۲- معاد، جسمانی است. ﴿يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾
- ۳- از شیوه‌های تربیت، استفاده از مثال و تمثیل است. ﴿كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ﴾ بهترین مثال‌ها، ملموس‌ترین آن‌هاست

﴿۸﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ

باگردن‌های کشیده، سراسیمه به سوی دعوت کننده می‌دوند. کفار می‌گویند: این روزی بسیار سخت است.

نکته‌ها:

- «مُهْطِعِينَ» از «اهطاع» به معنای کشیدن سر به طرف بالا از روی نگرانی یا خیره نگاه کردن و یا به سرعت دویدن است.
- کافران با انواع سختی‌ها در قیامت مواجه‌اند، از جمله:

سختی ناتوانی	سختی طولانی بودن مدت
سختی تشنگی و گرسنگی	سختی هم جواران ناهل
سختی رسوایی	سختی حسرت‌ها
سختی حساب و کتاب	سختی تحقیرها
سختی نداشتن شفیع	سختی جدا شدن از خوبان
سختی نداشتن زاد و توشه	سختی شکایات دیگران

در حالی که بر اهل ایمان، در آن روز نه خوف و ترسی از گذشته است و نه حزن و هراسی بر آینده. ﴿لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- شتاب مردم در خروج از قبرها، برای اجابت منادی قیامت است. ﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ﴾

- ۲- حضور در عرصه‌ی قیامت، از طریق ندا و دعوت منادیانی خواهد بود. ﴿الی الدّاع﴾
 ۳- قیامت، برای کفار سخت است نه مؤمنان. ﴿يقول الكافرون هذا يوم عسر﴾

﴿ ۹ ﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

پیش از این (کفار که پیامبر را تکذیب می‌کنند)، قوم نوح، بنده‌ی ما را تکذیب کردند،
 و (علاوه بر تکذیب) گفتند: او دیوانه است و از (راه صحیح) بازمانده است.

﴿ ۱۰ ﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ

پس نوح پروردگارش را (چنین) خواند که من مغلوب شده‌ام، پس (به دادم
 برس و) یاریم کن.

﴿ ۱۱ ﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

پس ما درهای آسمان را با ریزش باران باز نمودیم.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «فانتصر» به جای «فانصر» آمده است، یعنی خداوندا! برای دین خودت مرا یاری کن، نصرت من نصرت راه تو است.^(۱)
- «منهمر» از «همر» به معنای فرو ریختن اشک و آب است.
- امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت نوح نه صد و پنجاه سال آشکارا و پنهانی مردم را به راه راست دعوت کرد، ولی چون آنان را سرکش دید، دست به دعا برداشت و گفت: ﴿رَبِّ اِنِّي مَغْلُوبٌ﴾^(۲)
- در تمام قرآن یک بار کلمه‌ی مغلوب به کار رفته که درباره‌ی حضرت نوح است، چنانکه در میان سلام‌های الهی بر انبیا نیز فقط یک سلام با جمله‌ی ﴿فِي الْعَالَمِينَ﴾ آمده که آن هم درباره‌ی حضرت نوح علیه السلام است. ﴿سَلَامٌ عَلٰى نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾^(۳)

۳. صافات، ۷۹.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. مفردات راغب.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند از پیامبر اسلام دلجوئی می‌کند که نگران نباش، سایر انبیا نیز مشکلات تو را داشته‌اند. ﴿کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ﴾
- ۲- مطالعه تاریخ گذشتگان، مایه دلگرمی صبر و مقاومت است. ﴿کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ﴾
- ۳- آغاز شدن سخن الهی درباره‌ی اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط با جمله‌ی ﴿کَذَّبَتْ﴾، نشانه‌ی خطر تکذیب است. ﴿کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ...﴾ و ﴿کَذَّبَتْ عَاد... کَذَّبَتْ ثَمُود... کَذَّبَتْ قَوْمَ لُوطٍ﴾ که در آیات بعد خواهد آمد.
- ۴- مهم‌ترین ویژگی پیامبران، عبودیت و بندگی خدا بود. ﴿عَبَدْنَا﴾
- ۵- خلافکاران، با تهمت و افترای به دیگران کار خود را توجیه می‌کنند. ﴿كَذَّبُوا عِبَادَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرُوا﴾
- ۶- انبیا در اوج گرفتاری به لطف الهی امیدوارند. ﴿فَدَعَا رَبَّهُ﴾
- ۷- مغلوب و ضعیف بودن، نشانه‌ی باطل بودن نیست. ﴿أَنِي مَغْلُوبٌ...﴾
- ۸- دعای انبیا مستجاب است. ﴿فَدَعَا... فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ﴾
- ۹- دعا و قطع امید از مردم، زمینه‌رهای و استجاب دعا است. ﴿أَنِي مَغْلُوبٌ... فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ﴾
- ۱۰- عوامل طبیعی همچون یاران الهی هستند. ﴿بِمَاءٍ مِنْهُمْ﴾
- ۱۱- مظاهر رحمت، گاهی وسیله عذاب می‌شوند. ﴿بِمَاءٍ مِنْهُمْ﴾

﴿ ۱۲ ﴾ وَقَجْرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

و از زمین چشمه‌هایی جوشانیدیم، پس آب (زمین و آسمان) بر اساس امری که مقدر شده بود، به هم پیوستند.

﴿ ۱۳ ﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ نَاتِ الْوَاحِ وَدُسِّرِ ﴿ ۱۴ ﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً

لِمَنْ كَانَ كُفْرًا

و نوح را بر (کشتی‌ای که) دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود، سوار کردیم. کشتی (حامل نوح و پیروانش) زیر نظر ما به حرکت در آمد. (این امر) پاداش پیامبری بود که مورد تکذیب و کفر قرار گرفت.

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿۱۶﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ

و همانا ما کشتی را به عنوان نشانه باقی گذاشتیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟ پس عذاب و هشدار من چگونه است؟

نکته‌ها:

- «دُسْر» جمع «دسار» به معنای میخ است و «نُذْر» جمع «نذیر» است، ولی در این گونه موارد به معنای هشدار است، نه هشدار دهنده.^(۱)
- کشتی نوح دارای خصوصیتی بود از جمله:
- الف) ساخت آن به فرمان الهی بود. ﴿اصنع الفلك﴾
- ب) سازنده‌ی آن پیامبر خدا بود.
- ج) محل ساخت کشتی، در بیابان خشک و دور از دریا و به گفته‌ی روایات، مسجد کوفه بود که این، تمسخر کافران را به دنبال داشت.
- د) از تمام نژادهای حیوان نر و ماده در آن سوار شدند.
- ه) حرکت آن زیر نظر خدا بود. ﴿تجری باعیننا﴾
- و) موج‌هایی به اندازه‌ی کوه‌ها در مسیرش بود. ﴿فی موج کالجبال﴾^(۲)
- ز) تمام مؤمنان زمین بر آن سوار شدند.
- ح) تنها وسیله‌ی امن و نجات بود.
- با همه این خصوصیتی که برای کشتی نوح بیان شده است، خداوند به جای کلمه «سفینه» و کشتی می‌فرماید: ﴿الواح و دُسْر﴾ یعنی یک مشت تخته و میخ. شاید این

۱. لسان العرب.

۲. هود، ۴۲.

کوچک نمایی به خاطر آن است که نجات نوح منسوب به اراده او باشد، نه عظمت کشتی. □ در آیه ۱۵، تخته و میخ که وسیله نجات پیامبری بوده است، به عنوان آیه‌ی الهی معرفی شده است، آیا قبور کسانی که خود سبب نجات بوده‌اند، آیه الهی نیست؟ «ذات الواح و دسر... ترکناها آیه...»

پیام‌ها:

- ۱- جوشش چشمه‌ها و جریان آب‌ها، با اراده‌ی الهی است. «و فجّرنا الارض عیوناً»
- ۲- همین که اراده‌ی خداوند بر کاری تعلق گرفت، آسمان و زمین همکاری می‌کنند. «فالتقی الماء»
- ۳- قهر الهی و هماهنگی عوامل طبیعی در آسمان و زمین برای عذاب، حساب و کتاب دارد. «امر قد قُدر»
- ۴- اگر ما بنده‌ی خالص خدا شویم، خداوند همه چیز ما را تأمین می‌کند. «عبدنا - فتحنا - فجّرنا - حملنا»
- ۵- مسیر کارهای الهی از طریق ابزارهای مادی و تلاش‌های انسانی است. «حملناه علی ذات الواح و دسر» تخته و میخ زیاد است، لیکن اراده خداست که این تخته‌ها و میخ‌ها را وسیله نجات پیامبر خود و مؤمنان قرار می‌دهد.
- ۶- نه فقط ساخت کشتی نوح، بلکه مسیر حرکت آن زیر نظر خداوند بوده است. (در جایی دیگر می‌فرماید: «اصنع الفلك باعیننا»^(۱) و در اینجا می‌فرماید: «تجری باعیننا»)
- ۷- انبیا نعمتی هستند که نباید کفران شوند و اگر کفران شدند خداوند، کافران را کیفر می‌دهد و به انبیا پاداش می‌دهد. «جزاء لمن کان کفر»
- ۸- همه‌ی کیفرها در قیامت واقع نمی‌شود. «جزاء لمن کان کفر»
- ۹- کشتی نوح در طول تاریخ ماندنی است. «ترکناها آیه» (چنانکه بدن فرعون در

- طول تاریخ نشانه است. ﴿فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك آية﴾^(۱)
- ۱۰- حفظ آثار باستانی که یادآور عوامل پیشرفت یا سقوط ملت‌هاست، لازم است. ﴿ترکناها آیه﴾
- ۱۱- کاری که با اراده‌ی الهی و به دست اولیای خدا انجام گیرد، مبارک است. (کشتی نوح در آن زمان مؤمنان را نجات داد، نسل تمام حیوانات را حفظ کرد و برای تاریخ درس و یادگار شد.) ﴿ترکناها آیه﴾
- ۱۲- باید به آیات الهی با دقت و بصیرت نگاه کرد. ﴿ترکناها آیه فهل من مدکر﴾
- ۱۳- برای هدایت شدن انسان، تنها عوامل خارجی کافی نیست، ظرفیت و روحیه‌ی پندپذیری لازم است. ﴿فهل من مدکر﴾
- ۱۴- عذاب اقوام گذشته، باید مایه‌ی هشدار برای آیندگان باشد. ﴿عذابی و نذر﴾
- ۱۵- عذاب و قهر خدا، پس از هشدارهای متعدد است. ﴿عذابی و نذر﴾

﴿ ۱۷ ﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ

و همانا ما قرآن را برای تذکر (و پندپذیری)، آسان ساختیم، پس آیا

پندپذیری هست؟

نکته‌ها:

- قرآن از ابعاد گوناگونی آسان است، از جهت لفظ که تلاوت آن را آسان و در عین حال زیبا کرده است؛ محتوی که شامل داستان و مثال‌های بسیاری است و همچنین مطابقت با فطرت بشری که پذیرش مطالب آن را آسان می‌کند.
- این آیه در این سوره، چهار بار تکرار شده است: در آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰.
- با این‌که قرآن آسان است، ﴿یسرنا القرآن﴾ ولی مشابه آن را نمی‌توان آورد، گرچه همه آفرینش دست به دست هم دهند. ﴿لئن اجتمعت الانس والجن...﴾^(۲)

۱. یونس، ۹۲.

۲. اسراء، ۸۸.

پیام‌ها:

- ۱- وظیفه هدایتگران، آسان گوئی است. ﴿یسرنا﴾
- ۲- قرآن، آسان است ولی سست نیست. (در چند آیه قبل خواندیم که آیات قرآن ﴿حکمة بالغة﴾، یعنی سخنان محکم و استوار است.) ﴿یسرنا القرآن﴾
- ۳- رسالت قرآن بیدارگری است. ﴿القرآن للذکر﴾
- ۴- هر چه آسان تر بگوییم، مخاطب بیشتری خواهیم داشت. ﴿یسرنا... فهل من مدکر﴾
- ۵- هم نسبت به آیات تکوینی باید متذکر شد. ﴿ترکناها آیه فهل من مدکر﴾ و هم نسبت به آیات تشریحی. ﴿یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر﴾
- ۶- هر کسی لیاقت بهره‌گیری از قرآن را ندارد، بهره گرفتن مخصوص اهل ذکر است نه اهل غفلت. ﴿فهل من مدکر﴾
- ۷- همیشه وجود زمینه‌ی مناسب، شرط پذیرش نیست. گاهی همه‌ی شرایط فراهم است ولی انسان به خاطر لجاجت و هوی پرستی متذکر نمی‌شود. ﴿فهل من مدکر﴾

﴿ ۱۸ ﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

قوم عاد (پیامبر خود را) تکذیب کردند، پس عذاب و هشدار من چگونه بود؟

﴿ ۱۹ ﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ

ما بر آنان در روز شوم، دنباله‌دار تند بادی سخت و سرد فرستادیم.

﴿ ۲۰ ﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ ﴿ ۲۱ ﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي

وَ نُذُرِ

(تندبادی که) مردم را همچون تنه‌های درخت خرما ی ریشه‌کن شده از جا

برمی‌کند. پس عذاب و هشدار من چگونه بود؟

﴿ ۲۲ ﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

و همانا ما قرآن را برای پندپذیری آسان نمودیم، پس آیا پندپذیری هست؟

نکته‌ها:

- مراد از ﴿یوم نحسٍ مستمر﴾ آن است که این تندباد در چند روز پی در پی بوده است، چنانکه در سوره‌ی فضلت آیه‌ی ۱۶ می‌فرماید: باد را در چند روز شوم بر آنان وزانیدیم. پس مراد از «مستمر» در این آیه، یعنی روزهای پیوسته و دنباله‌دار. در آیه ۷ سوره حاقه، این ایام شوم هفت شب و هشت روز بیان شده است: ﴿سبع لیلٍ و ثمانیة ایام﴾
- «منقعر» از «قعر» به معنای ریشه‌کن شده است. ﴿أعجاز﴾ جمع «عَجَز» به معنای قسمت عقب یا پایین و تنه است.
- بدی یا خوبی زمان، یا به خاطر حوادث خوب و بدی است که در آن‌ها واقع می‌شود و یا در جوهر زمان نحسی، یا خیری است که ما از آن خبر نداریم.

پیام‌ها:

- ۱- قوم عاد از هلاکت قوم نوح عبرت نگرفتند. ﴿کذبت قبلهم قوم نوح... کذبت عاد﴾
- ۲- سیمای قوم عاد، تکذیب و انکار است. ﴿کذبت عاد﴾
- ۳- میان انذار و عذاب رابطه است. (ابتدا انذار و اگر اثر نکرد عذاب) ﴿فکیف کان عذابی و نذر﴾
- ۴- در تاریخ و سرنوشت ملت‌ها تفکر کنید. ﴿فکیف کان...﴾
- ۵- نتیجه‌ی تکذیب، قهر الهی است. ﴿کذبت... عذابی﴾
- ۶- عوامل طبیعی مثل باد می‌توانند وسیله‌ی کیفر مردم باشند. ﴿کذبت عاد... ریحاً صرصراً﴾
- ۷- زمان‌ها یکسان نیستند. (بعضی زمان‌ها مبارک‌اند، همچون شب قدر، ﴿لیلة مبارکة﴾ و برخی شوم و نحس). ﴿یوم نحسٍ﴾

۸- با اراده‌ی خداوند باد هم می‌تواند عامل رویش باشد، «ارسلنا الريح لواقع»^(۱) و هم می‌تواند عامل ریزش باشد. «تنزع الناس كأنهم اعجاز نخل منقعر»
 ۹- بشر، هرکه باشد، در برابر قهر الهی خار و خسی بیش نیست. «تنزع الناس كأنهم اعجاز نخل...»

۱۰- قوم عاد، مردمی تنومند و قوی بودند که از بن ریشه‌کن شدند. «كأنهم اعجاز نخل»
 ۱۱- در تربیت، تکرار برخی مطالب ضروری است. جمله‌ی «فكيف كان عذابي و نذر» تکرار شده است.

۱۲- در نقل تاریخ، هدف اصلی (عبرت‌گرفتن) فراموش نشود. (بعد از بیان هر بخش، نقطه اصلی تکرار شده است) «لقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر»

﴿ ۲۳ ﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿ ۲۴ ﴾ فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّمَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنْآ إِذَا

لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

قوم ثمود، هشدار دهندگان را تکذیب کردند. پس گفتند: آیا از میان خود، از انسانی تک و تنها پیروی کنیم؟ در این صورت ما در گمراهی و جنونی عمیق خواهیم بود.

﴿ ۲۵ ﴾ أَءَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ ﴿ ۲۶ ﴾ سَيَعْلَمُونَ

عَدَاً مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده است؟ بلکه او بسیار دروغگو و خودخواه است. در آینده خواهند دانست که دروغگو و خودخواه کیست.

﴿ ۲۷ ﴾ إِنْآ مُرْسِلُؤَا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَآرُ تَقْبِهِمْ وَأَصْطَبِرُ

همانا ما فرستادگان شتر ماده‌ایم برای آنان (و به حضرت صالح گفتیم:) پس مراقب (پایان) کار آنان باش و شکیبایی پیشه کن.

نکته‌ها:

- «سُعْر» هم جمع «سعیر» به معنای آتش گداخته است و هم جمع «سَعْر» به معنای جنون. «أشیر» به کسی گفته می‌شود که شیفته‌ی خود باشد.
- در آیه ۲۴، کَفَّار به انبیا می‌گویند: اگر ما تابع شما باشیم، در گمراهی و دوزخ یا جنون خواهیم بود! ولی در آیه ۴۷ می‌خوانیم: «انَّ المجرمین فی ضلال و سُعْر» تبه‌کاران در گمراهی و دوزخند.
- قوم ثمود، از حضرت صالح خواستند که از دل کوه شتری را به عنوان معجزه خارج کند و او این کار را کرد، ولی مردم این شتر الهی را کشتند.
- کَفَّار، در برابر پیامبران چند بهانه داشتند و می‌گفتند:
الف) او بشری مثل ماست.
ب) او یک نفر از میان خود ماست.
ج) تعداد ما زیاد است و پیروی یک جمعیت از فردی که مثل خود و ماست، سزاوار نیست.
«إبشراً متّ واحداً نتیعه»
اما هیچ یک از این بهانه‌ها منطقی نیست، زیرا:
اولاً: بشر بودن، نقطه‌ی قوت پیامبران است تا بتوانند الگوی دیگر افراد بشر باشند.
ثانیاً: تمام انبیا یک نفر بودند و در طول تاریخ افرادی که یک تنه قیام کردند و طرح اصلاحی داشتند کم نبودند.
ثالثاً: اصل، پیروی از حق است، نه تعداد پیروان یا رهبران.

پیام‌ها:

- ۱- کار قوم ثمود، تکذیب‌های پی در پی بود. «کذبت ثمود بالندر»
- ۲- کَفَّار در برابر پیامبران، منطق و استدلال ندارند. می‌گویند: چرا او پیامبر شد و ما نشدیم؟ «أبشراً متّ...»
- ۳- زندگی انبیا عادی و در میان مردم بوده است. «أبشراً متّ»
- ۴- گاهی انسان چنان سقوط می‌کند که فردی معصوم را به پیامبری نمی‌پذیرد،

- ﴿أبشراً...﴾ ولی جماد بی شعور را خدا دانسته و آن را پرستش می کند.
- ۵- گاهی انسان به جایی می رسد که پیروی از پیامبر معصوم را که منطق و معجزه دارد، انحراف می پندارد. ﴿إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٌ وَسُعْرٌ﴾
- ۶- ایجاد شک و تردید در میان مردم، بستر تکذیب حق است. ﴿كَذَّبَتْ... ابشراً منا...﴾
﴿أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ﴾
- ۷- هم قرآن ذکر است، ﴿نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ...﴾^(۱) و هم آن چه به انبیای سابق نازل شده است. ﴿أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا﴾
- ۸- کافران لجوج، پیامبر خدا را خودخواه می خواندند. ﴿كَذَّابٌ أَشْرٌ﴾
- ۹- دروغ و خودخواهی را حتّی کفار لجوج بد می دانند. (و به همین دلیل به پیامبر نسبت دروغ و خودخواهی می دادند). ﴿بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ﴾
- ۱۰- مبلغان دینی باید آمادگی شنیدن تندترین تهمت ها را داشته باشند. ﴿بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ﴾
- ۱۱- سخنان یاوه را پاسخ دهید. ﴿فَقَالُوا... سَيَعْلَمُونَ...﴾
- ۱۲- قیامت، روز آشکار شدن حقایق و رسوا شدن کافران است. ﴿سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرِ﴾
- ۱۳- معجزات، وسیله ی آزمایش مردمند. ﴿مَرَسَلُوا النَّاقَةَ فَتَنَ لَهُمْ﴾
- ۱۴- پیامبران، امت خود را زیر نظر دارند. ﴿فَارْتَقِبْهُمْ﴾
- ۱۵- رهبران دینی باید صبور باشند. ﴿وَاصْطَبِرْ﴾

﴿ ۲۸ ﴾ وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرِبٍ مُّحْتَضِرٌ

و به آنان خبر ده که آب، میان آنان و شتر تقسیم شده است، هر کدام برای دریافت نصیب خود حاضر شوند.

﴿ ۲۹ ﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿ ۳۰ ﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

پس آنان رفیقشان را صدا کردند، پس پذیرفت، دست به کار شد و شتر را از پای درآورد. پس (بنگر) که عذاب و هشدار من چگونه بود؟

﴿ ۳۱ ﴾ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

(به کیفر این جنایت) ما صیحه (و صاعقه‌ای مرگبار) را فرو فرستادیم، پس آنان مثل گیاه خشک و خردشده‌ای گشتند که صاحب چهارپایان در آغل می‌ریزد.

﴿ ۳۲ ﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

و البته ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان قرار دادیم، پس آیا پندپذیری هست؟

نکته‌ها:

- تقسیم آب میان مردم و شتر، یک آزمایش مهم الهی بود که مردم باید این قانون را مراعات کرده و فقط روزی که حق بهره‌گیری از آب را دارند، سر آب حاضر شوند.
- در آیه‌ی ۱۵۵ سوره شعراء می‌خوانیم که حضرت صالح فرمود: یک روز آب قریه برای ناقه و یک روز برای شما. ﴿لَهَا شَرِبٌ و لَكُمْ شَرِبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ﴾
- «شرب» به معنای قسمت و نصیب است که در مورد سهم آب گفته می‌شود.
- «تعاطی» به معنای برگرفتن چیزی یا انجام دادن کاری است که سزاوار نیست و جرأت می‌خواهد. چون کلمه «تعاطی» در قالب تفاعل است، گویا میان قوم ثمود و قاتل شتر مبادله و تفاهمی صورت گرفته است. «عقر» به معنای از پای درآوردن ناقه است.
- «هشیم» به معنای گیاه خشک و خرد شده است. «مُحْتَظِرٍ» کسی است که برای چهار پایان خود گیاهان خشک را جمع‌آوری می‌کند.
- با اینکه کشنده ناقه یک نفر بیشتر نبوده، ولی در آیات دیگر قرآن به همه مردم نسبت داده است، ﴿فَعَقَرُوهَا﴾^(۱) یا ﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ﴾^(۲) که به فرموده روایات به دلیل هم‌فکری و رضایت دیگران بر کار قاتل بوده و این گناه به حساب آنان نیز محاسبه می‌شود.^(۳)

۳. وسائل، ج ۱۱، ص ۴۰۹.

۱. شعراء، ۱۵۷؛ شمس، ۱۴. ۲. اعراف، ۷۷.

پیام‌ها:

- ۱- گاهی امتحان با جیره‌بندی آب است که به دستور پیامبر جیره بندی می‌شود.
﴿انّ الماء قسمة﴾
- ۲- افراد نااهل اگر خود نتوانند کاری انجام دهند، از کسانی که جرأت فساد دارند دعوت می‌کنند. ﴿فنادوا صاحبهم﴾
- ۳- قداست شکنی، جرأت لازم دارد. ﴿صاحبهم فتعاطی﴾
- ۴- افراد شرور، آماده‌ی ایجاد شر هستند و فرصت سوزی نمی‌کنند. ﴿فنادوا... فعفر﴾
- ۵- اگر از نعمتی که فرستاده شد قدردانی نکنیم، ﴿مرسلوا الناقة﴾ عذاب، فرستاده می‌شود. ﴿ارسلنا علیهم صیحة﴾
- ۶- در نقل مطالب تاریخی قرآن، زمان و مکان و شخص مهم نیست، انگیزه و نتیجه مطرح است. (در این آیات، نه نام کسی که ناقة را کشت برده شده و نه زمان و مکان حادثه مشخص شده است).
- ۷- گرچه قاتل یکی بود ولی به خاطر رضایت دیگران به کار او، همه نابود شدند.
﴿عفر... ارسلنا علیهم صیحة﴾
- ۸- با اراده‌ی خداوند یک امت با یک صیحه محو می‌شوند. ﴿صیحة واحدة﴾
- ۹- گاهی یک امت به خاطر یک نافرمانی و جسارت نابود می‌شوند. ﴿فکانوا کھشیم المحتظر﴾
- ۱۰- قهر الهی، افراد تنومند و غول پیکر را همچون گیاه خرد شده می‌کند. ﴿کھشیم المحتظر﴾
- ۱۱- قرآن، بهترین و صحیح‌ترین تاریخ‌ها و عبرت‌ها را به راحتی در اختیار همگان قرار می‌دهد. ﴿و لقد یسرنا﴾

﴿۳۳﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿۳۴﴾ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا اِلَّا اَل
لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحْرِ

قوم لوط نیز هشدار دهندگان را تکذیب کردند. ما نیز بر آنان بادی همراه
با سنگ فرو فرستادیم و فقط خانواده لوط را در سحرگاه نجاتشان دادیم.

﴿۳۵﴾ نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ اَنْذَرَهُمْ
بَطْشَتْنَا فَنَمَارَوْا بِالنُّذُرِ

(این نجات) نعمتی از طرف ما بود، ما این گونه هر که را شکر کند، پاداش می‌دهیم.
لوط، مردم را از قهر ما هشدار داده بود، اما در هشدارها جدل و ستیزه کردند.

﴿۳۷﴾ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا اَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ

و قوم لوط برای (سوء قصد به) مهمانان او به مراوده و گفتگو پرداختند،
پس ما چشم آنان را نابینا کردیم، پس بچشید عذاب من و هشدار مرا.

﴿۳۸﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ ﴿۳۹﴾ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ

و صبحگاهان عذابی پایدار به سراغشان آمد. پس بچشید عذاب من و هشدارم را.

﴿۴۰﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ

همانا ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان ساختیم پس آیا پندپذیری هست؟

نکته‌ها:

- «نُذُر» جمع «نذیر» هم به معنای انذار دهنده است و هم به معنای انذار، «حاصب» به معنای تندبادی است که سنگریزه‌ها و شن‌ها را حرکت می‌دهد.
- «بطش» به معنای گرفتن با قهر و قدرت است. «طمس» یعنی محو کردن و از بین بردن و «تماروا» به معنای به مجادله گرفتن است.

□ به نظر می‌رسد کسانی که به مهمانان حضرت لوط سوء قصد داشتند، ابتدا کور شدند و سپس با زیر و رو شدن منطقه نابود گشتند. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: همین که قوم لوط وارد خانه آن حضرت شدند، جبرئیل با اشاره آنان را کور کرد.^(۱)

□ در ماجرای قوم لوط، چهار مرتبه کلمه‌ی «نُذِرُ» و سه بار کلمه‌ی «عذاب» مطرح شده که نشانه‌ی اهمیت هشدار نسبت به عملکرد قوم لوط است.

پیام‌ها:

- ۱- گویی خداوند به پیامبر می‌فرماید: نگران نباش که همواره پیامبران خدا مورد تکذیب نااهلان قرار می‌گرفتند. «کذبت قوم لوط»
- ۲- گرچه هر یک از قوم عاد و ثمود و لوط و نوح ویژگی‌هایی داشتند، ولی همه‌ی آنان در تکذیب پیامبرشان مشترک بودند. «کذبت... کذبت... کذبت»
- ۳- تکذیب یک پیامبر، به منزله‌ی تکذیب همه‌ی انبیا است. «کذبت... بالندر»
- ۴- دست خداوند برای انواع عذاب‌ها باز است. «بماء منههم - ریحاً صرصراً صیحة واحدة - حاصبا»
- ۵- در موارد متعدّد، خداوند مؤمنان را نجات می‌دهد. «نجیناهم بسحر»
- ۶- به هنگام نزول عذاب، تر و خشک با هم نمی‌سوزد. «أرسلنا علیهم حاصبا الا آل لوط نجیناهم بسحر»
- ۷- نعمت، تنها امور مادی نیست، نجات از عذاب، از بزرگترین نعمت‌ها است. «نعمة من عندنا»
- ۸- ایمان به پیامبران، شکر الهی و مایه نجات است. «کذک نجزی من شکر»
- ۹- خداوند اول اتمام حجّت و سپس عذاب می‌کند. «و لقد انذرهم بطشتنا»
- ۱۰- گرچه کار انبیا هم بشارت است و هم هشدار، ولی هشدار آنان به دلیل سرمستی و غفلت مردم بیشتر است. «انذرهم»

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۲۹.

۱۱- ایجاد تردید در حق و حقیقت، به منزله تکذیب آن است. ﴿کذبت قوم لوط... فتماروا بالنذر﴾

۱۲- آلودگی و فساد مرز نمی‌شناسد. (با این‌که قوم لوط در مجالس علنی کار خلاف انجام می‌دادند و مانعی برای خود نمی‌دیدند، ولی باز هم دست از سر مهمانان خانه پیامبر بر نداشتند.) ﴿راودوه عن ضیفه﴾

۱۳- همین‌که جرم سنگین شد، مهلت جایز نیست. ﴿راودوه عن ضیفه فطمسنا﴾

۱۴- چشمی که به مهمانان معصوم، آن‌هم در خانه‌ی پیامبر نظر سوء دارد، کور باد. ﴿فطمسنا اعینهم﴾

۱۵- قهر و عذاب الهی، قابل خنثی شدن نیست. ﴿عذاب مستقر﴾

۱۶- یکی از روش‌های تربیتی قرآن، نقل داستان‌های پندآموز است. ﴿و لقد یسرنا القرآن﴾

۱۷- خواندن قرآن کافی نیست، باید پند گرفت. ﴿فهل من مدکر﴾

﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿۴۲﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا

فَأَخَذْنَا هُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

و همانا هشدار دهندگان به سراغ فرعونیان آمدند. (اما آنان) همه‌ی معجزات ما را تکذیب کردند، پس ما آنان را همچون گرفتن مقتدری نفوذناپذیر (به قهر) گرفتیم.

﴿۴۳﴾ أَكْفَارُكُمْ حَيْرٌ مِّنْ أَوْلَادِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿۴۴﴾ أَمْ

يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ

آیا کافران شما از آنان بهترند (تا ما آنان را به قهر نگیریم) یا برای شما امان‌نامه‌ای در کتاب‌های آسمانی است؟ یا می‌گویند: ما همگی پشتیبان یکدیگریم (و قدرتی ما را نخواهد شکست)؟

﴿ ۴۵ ﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿ ۴۶ ﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ
السَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ

در آینده‌ی نزدیکی، جمع آنان در هم شکسته خواهد شد و همه (به یکدیگر) پشت خواهند کرد. آری، قیامت و عداگاه آنان است و آن روز، سخت‌تر و تلخ‌تر است.

نکته‌ها:

- «سپهزم» از «هزم» به معنای فشار دادن به جسم خشک است به گونه‌ای که متلاشی شود. «أذهی» به معنای مصیبت بزرگ‌تر است.
- در اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط، تنها تکذیب اندازها بود ولی در مورد فرعونیان تکذیب آیات و معجزات نیز مطرح است.
- این پنجمین و آخرین گروه کفار است که این سوره از آنان نام برده است.
- عوامل غرور چند چیز است:

- الف) انسان احساس کند کمال یا ارزشی ویژه دارد و از دیگران بهتر است. ﴿کفار کم خیر﴾
- ب) خیال کند از خدا امان نامه دارد و از عذاب مصون است. ﴿ام لکم برائة﴾
- ج) به یاران و هم فکران خود توکل داشته باشد. ﴿ام یقولون نحن جمیع منتصر﴾

پیام‌ها:

- ۱- کسی که هم فکر یا مطیع کسی باشد، از او محسوب می‌شود. ﴿آل فرعون﴾
- ۲- نظام اجتماعی در زمان فرعون، فرد محوری و استبدادی بود و همه به یک شخص منسوب بودند، ﴿آل فرعون﴾ ولی در دیگر اقوام، نظام قبیله‌ای و قومی حاکم بود. ﴿قوم نوح... قوم لوط﴾
- ۳- خداوند با مردم اتمام حجّت می‌کند. ﴿جاء... النذر﴾
- ۴- در نظام فرعون، انبیا، معجزات آنها و هشدارهای الهی هم مورد تکذیب قرار گرفتند. ﴿کذبوا بآیاتنا کلها﴾
- ۵- سرنوشت بشر به دست خود اوست. ﴿کذبوا... فاخذناهم﴾

- ۶- اگر انسان تمام راه‌های حق را به روی خود مسدود کند، قهر الهی فرامی‌رسد.
﴿کذبوا بآیاتنا کلها فاخذناهم﴾
- ۷- با کسانی چون فرعون که اظهار اقتدار می‌کنند، باید مقتدرانه برخورد کرد.
﴿اخذ عزیز مقتدر﴾
- ۸- همه‌ی قدرت‌ها رو به زوال و شکست است، تنها قدرت نفوذناپذیر، قدرت اوست. ﴿عزیز مقتدر﴾
- ۹- قهر الهی همراه با قدرت و صلابت است. ﴿اخذ عزیز مقتدر﴾
- ۱۰- قهر الهی بر اساس کفر و لجاجت و تکذیب است و کفار هر عصر هیچ امتیازی نسبت به پیشینیان خود ندارند. ﴿کفار کم خیر...﴾
- ۱۱- در شیوه‌ی تبلیغ، به نحوی استدلال کنید که تمام راه‌ها و فرضیه‌های دشمن را از دست او بگیرید. ﴿کفار کم خیر... ام لکم براءة... ام یقولون نحن جمیع منتصر﴾
- ۱۲- در شیوه‌ی ارشاد قرآن، تاریخ، تهدید، استدلال و اعتقاد به هم پیچیده است. تاریخ: ﴿جاء ال فرعون...﴾، تهدید: ﴿اخذ عزیز... سیهزم الجمع...﴾، استدلال: ﴿کفار کم... ام... ام...﴾، اعتقاد: ﴿الساعة موعدهم والساعة ادهی و امر﴾
- ۱۳- ابّهت دشمن را بشکنید، کفار تنها ملاک‌های مادی را به حساب می‌آورند و از قدرت‌های غیبی و الهی غافلند. ﴿نحن جمیع منتصر... سیهزم الجمع﴾
- ۱۴- با دشمن مغرور، قاطعانه برخورد کنید. ﴿سیهزم الجمع و یولون الدبر﴾
- ۱۵- عنصر کفر و تکذیب، در هر جمعیتی وسیله‌ی پراکندگی است. ﴿سیهزم... یولون الدبر﴾
- ۱۶- اگر کفار به جمعیت خود می‌نازند، بدانند که پراکنده می‌شوند، ﴿سیهزم الجمع﴾ و اگر به حمایت از یکدیگر دل خوش دارند، بدانند که همه فرار خواهند کرد. ﴿سیولون الدبر﴾
- ۱۷- برای کافران، علاوه بر قلع و قمع دنیوی، قهر اخروی نیز در پیش است. ﴿بل الساعة موعدهم﴾

- ۱۸- سخت ترین مصیبت های دنیوی، نسبت به مصیبت ها و تلخی های آخرت چیزی نیست. ﴿وَالسَّاعَةَ اِذْ هِيَ وَاَمْرٌ﴾
- ۱۹- شکست دنیوی کفار، مقدمه عذاب سخت تر آخرت است. ﴿سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ... السَّاعَةَ اِذْ هِيَ وَاَمْرٌ﴾

﴿۴۷﴾ اِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿۴۸﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿۴۹﴾ اِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدْرٍ

همانا مجرمان در گمراهی و (آتش و) جنونند. روزی که به رو در آتش کشیده شوند (و به آنان گفته شود: تماس جهنم (و آتش دوزخ) را بچشید. همانا ما هر چیز را به اندازه‌ی معینی آفریده‌ایم.

﴿۵۰﴾ وَمَا اَمْرُنَا اِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

و فرمان ما جز یک فرمان نیست (آن هم بسیار سریع) مانند یک چشم برهم زدن.

نکته‌ها:

- «سُعْر» هم می‌تواند جمع «سعیر» (آتش برافروخته) و هم جمع «سَعْر» (جنون) باشد. «یسحبون» به معنای کشیده شدن و «سحاب» ابری است که باد آن را می‌کشد. «سقر» یعنی دوزخ و در اصل سوختن پوست بر اثر حرارت است و «لمح» درخشیدن برق است. □ در حدیثی ذیل آیه ﴿اِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدْرٍ﴾ می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند می‌فرماید: ما هر چیزی را برای اهل دوزخ به اندازه اعمالشان خلق نمودیم. (۱)

پیام‌ها:

- ۱- مجرمان در قیامت، سردرگم و متحیر و گرفتار آتش هستند. ﴿فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ﴾ (بنابراین که «سُعْر» معنای آتش برافروخته باشد).

۱. تفسیر نورالثقلین.

- ۲- انسانی که با انتخاب بد، خود را دوزخی می‌کند، بی عقل است. ﴿فی ضلال و سُعُر﴾ (بنابراین این‌که معنای ﴿سُعُر﴾ جنون باشد).
- ۳- انکار و تکذیب دین الهی بارزترین جرم است. ﴿انّ المجرمین...﴾
- ۴- مغروران دنیا، خوارشدگان قیامت هستند. ﴿نحن جمیع منتصر... یسحبون فی التّار علی وجوههم﴾
- ۵- هستی دارای هدف و حساب و کتاب دقیق است. ﴿کلّ شیء خلقناه بقدر﴾
- ۶- هر یک از پیدایش اقوام و فرستادن انبیا و کیفر و پاداش انسان‌ها، در چارچوب مقرّرات و نظامی خاص صورت می‌گیرد. ﴿انا کلّ شیء خلقناه بقدر﴾
- ۷- کارهای الهی هم حساب شده و حکیمانه است و هم با سرعت انجام می‌گیرد. ﴿بقدر... کلمح بالبصر﴾

﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

و همانا ما کسانی را که مانند شما بودند هلاک کردیم، پس آیا پندپذیری هست؟

﴿۵۲﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿۵۳﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ

و هر چیزی که انجام داده‌اند، در نامه‌ها (ی اعمالشان) ثبت است. و هر کوچک و بزرگی نوشته شده است.

﴿۵۴﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ ﴿۵۵﴾ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

همانا پرهیزکاران در باغ‌ها و (کنار) جوی‌ها هستند. در جایگاهی راستین، نزد فرمانروایی مقتدر.

نکته‌ها:

□ «اشیاع» به معنای امثال و هم‌فکران، پیروان و هم‌مسلمان است. «زُبُر» جمع «زبور» به

معنای کتاب است و «مستطر» یعنی مکتوب، ردیف شده و به صف درآمد. □ این سوره با انذار و هشدار آغاز شد و با بشارت به پایان می‌رسد.

پیام‌ها:

- ۱- سنّت خداوند در عذاب کافران هم فکر، یکسان است. ﴿أهلکنا أشیاعکم﴾
- ۲- تهدید الهی را جدّی بگیریم.
- ۳- از تاریخ عبرت بگیرید. ﴿فهل من مدکر﴾
- ۴- هیچ عملی محو نمی‌شود. ﴿فی الزُّبر﴾
- ۵- ثبوت اعمال، مایه‌ی دلگرمی متّقین، دلهره‌ی مجرمان و بازدارنده انسان از کفر و گناه است. ﴿فی الزُّبر و کلّ صغیر و کبیر مستطر﴾
- ۷- اعمال ثبت شده در کتاب، منظم است. ﴿مستطر﴾
- ۸- محاکمه‌ی مردم در قیامت، براساس مدارک مکتوب است. ﴿کل صغیر و کبیر مستطر﴾
- ۹- متّقین، هم از نظر مادی کامیاب خواهند شد، ﴿فی جنّات و نهر﴾ و هم از نظر معنوی. ﴿فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر﴾
- ۱۰- خداوند، هم در قهر مقتدر است، ﴿اخذ عزیز مقتدر﴾ هم در مهر. ﴿فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر﴾
- ۱۱- بهشت، سراسر صداقت است و ذره‌ای دغل‌بازی در آن راه ندارد. ﴿مقعد صدق﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»